



تقدیم بهترین های جهان زنان و دختران شجاع توانا و وطنم

افغانستان!!

تحریر کننده متن طوبی هاشمی؛

مضمون:

فریاد خاموش زن و دختر افغان در تاریکی قطع انترنت و....

چهار سال می‌شود که روزهای ما رنگ سیاهی گرفته. هر روز یک خبر بد، هر روز یک محدودیت نو، و هر روز بسته شدن یک در امید. اما در دل همین روزهای سخت، زن و دختر افغان خاموش نماندند. آن‌ها نخواستند تسلیم شوند. نخواستند آرزوهایشان را بسپارند به باد. با دل پر درد و چشم پر اشک، اما با امید و مقاومت، راهشان را ادامه دادند. وقتی مکتب‌ها را بستند، وقتی دروازه‌ی پوهنتون‌ها را قفل کردند، زن و دختر افغان ناامید نشدند. به کورس‌های آنلاین روی آوردند. انترنت و وایفا شد آخرین راهشان برای آموختن. با دل پر آرزو، با امکانات اندک، اما با اراده‌ی قوی، نشستند و درس خواندند. از دل خانه، از پشت صفحه‌های تیلیفون و لپ‌تاپ، باز هم خواستند یاد بگیرند. اما حالا همان کورس‌ها هم دیگر نیست. طالبان بی‌رحم، انترنت را قطع کردند. وایفا خاموش شد، صفحه‌ها دیگر باز نمی‌شوند، استاد دیگر صدایش نمی‌رسد، و شاگرد تنها ماند. امیدی که در دل زن و دختر افغان بود، زیر آوار تاریکی فرو رفت.

ولی با همه‌ی این سختی‌ها، زن و دختر افغان هنوز تسلیم نشده‌اند. در دل‌شان آتش یادگیری روشن است. هنوز با کتاب‌های کهنه، با قلم و کاپی، با دل پر درد، اما با قلب پر امید، درس می‌خوانند. هرچند صدای معلم خاموش شده، ولی صدای دل‌شان هنوز زنده است. صدایی که می‌گوید:

“ما باید یاد بگیریم، ما باید ادامه بدهیم، ما حق داریم.”

انترنت را بریدند، کورس‌ها را بستند، پوهنتون را قفل کردند، اما نتوانستند فکر و ذهن زن و دختر افغان را قفل کنند. زن و دختر افغان ایستاده‌اند. آن‌ها از خاکستر محرومیت، شعله‌ی امید می‌سازند. روزی خواهد رسید که درهای پوهنتون‌ها دوباره باز می‌شود، کورس‌ها دوباره فعال می‌شوند، و صدای خنده و یادگیری در کوچه‌های وطن ما پخش خواهد شد. و آن روز، زن و دختر افغان با افتخار خواهند گفت:

“ما تسلیم نشدیم. ما ایستاده ماندیم. ما آموختیم، حتی وقتی همه چیز علیه ما بود.